در میزگرد خراسان جنوبی مطرح شد

گام های بی رمق ادبیات کودک و نوجوان در استان

رنجبر- با نگاهی کوتاه اما عمیق می توان به این نتیجه رسید که باید برای استحکام ریشه های ادبیات کودک و نوجوان از مهدهای کودک شروع کرد و به گسترش آن در دانشگاه ها پرداخت چرا که ادبیات کودک و نوجوان باعث غنای ادبیات بزرگسالان می شود و این همان موضوعی است که نه تنها در استان بلکه در کشور آن طور که باید مورد توجه قرار نگرفته و توجه در این مسیر به صورت مقطعی بوده است. میزگرد این هفته خراسان جنوبی به دلایل ضعف در ادبیات کودک و نوجوان می پردازد. در این میزگرد از مدیر کل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، کارشناس حوزه ادبیات کودکان و نوجوانان اداره کل آموزش وپرورش دعوت شد که به دلیل مشکل، در جلسه حضور نیافتند بنابراین جلسه با حضور «عبدالرضا صمدی» یکی از کارشناسان حوزه ادبیات کودکان و نوجوانان، دکتر «واعظی» عضو هیئت علمی و استاد دانشکده ادبیات دانشگاه بیرجند و «خزاعی» رئیس مهدهای کودک استان برگزار شد.

■ ادبیات نامطلوب

بحث را «عبدالرضا صمدی» این طور شروع می کند، آنچه باید در کشور و استان برای ادبیات کودکان و نوجوانان اتفاق می افتاد تاکنون به وقوع نپیوسته است و سطح ادبیات این دوره در مرحله تولید و استفاده در کشور مطلوب نیست. او معتقد است از این مسئله به عنوان یک مولفه تاثیرگذار در تعلیم و تربیت استفاده نمی شود و در واقع کتاب کودک شامل شعر ،داستان و نمایشنامه در نظام آموزشی و تعلیم و تربیت جایگاهی ندارد و بی توجهی به این موضوع باعث ایجاد مشکلاتی در بحث آفرینش های ادبی می شود.

وی می گوید: در استان انجمن، گروه یا هسته ای که با جدیت درحوزه ادبیات کودکان برنامه ریزی و فعالیت کند وجود ندارد، فعالیت نویسندگان در حوزه کودکان بسیار محدود و نگاه این افراد چاپ کتاب است، از طرفی هم شاید توزیع کننده کتاب هستند نه تولید کننده آثار یا کتاب های ادبی برای کودک و نوجوان.

یکی از فعالیت های کانون پرورش فکری استان کشف انگیزه و استعدادها در راستای تقویت ادبیات کودکان است اما یک اثر برای آن ها باید شرایطی داشته باشد تا توسط شورایی در پایتخت تایید و سپس منتشر شود، به علاوه شاید تعداد زیادی علاقه مند به ادبیات کودک و نوجوان در استان شناسایی شوند اما وقتی هنوز حتی یک قطعه شعر نگفته اند نمی توان آن ها را در شمار فعالان آورد، باید تمرین کنند، دود چراغ بخورند وبا دقت در حساس بودن ادبیات کودک و نوجوان وارد عرصه شوند.

وضعیت ادبیات کودکان و نوجوانان در استان را مطلوب نمی بینم. «صمدی» با بیان این جمله می گوید: ادبیات کودکان به حضور افراد فعال و تولید نیاز دارد تا بسترهای لازم رابرای آشنایی بچه ها با ادبیات ایجاد کنند، علاوه بر آن نگرش موسسات آموزشی، مدارس و مهدهای کودک باید نسبت به تاثیر ادبیات در رفتار و طرز تفکر کودکان تغییر کند.

■ فعالیت کمرنگ

رئیس مهدهای کودک استان به این سوال که چقدر در مهدهای کودک برای خلاقیت و تقویت ادبیات کودکان فعالیت می شود؟ پاسخ می دهد: آموزش در مهدهای کودک غیر رسمی است وآنچه به عنوان واحد کار اجرا می شود یک برنامه از پیش تعیین شده در قالب قصه ،شعر و نمایش خلاق است که کودکان در این فعالیت ها شرکت می کنند.

«خزاعی» می افزاید: مربی ها آموزش های لازم را در این زمینه فرا گرفته انداما چون آموزش رسمی نیست مربی بر اساس نیازاین کار را انجام می دهد و از ۴سال قبل و زمان راه اندازی کمیته تولید محتوا در مهدها توسط سازمان بهزیستی، این کمیته محتوایی برای گروه سنی کمتر از ۳ و بالای ۳تا ۵سال با رویکردهای دینی و قرآنی تدوین کرده است و اگرچه بومی منطقه نیست اما ازمربیان در خواست شده که تا حد ممکن در قالب های بومی برای بچه ها قصه بگویند و حتی به آموزش بازی های بومی محلی همت کنند.

او با قبول گفته های «عبدالرضا صمدی» ادامه می دهد: در مورد ادبیات کودکان فعالیت زیادی در مهدهای استان انجام نشده چون به صورت خصوصی اداره می شوند هرچند به نظر می رسد تعداد کتاب های داستان و شعر نویسندگان و شاعران استان هم بسیار کم است. وی دلیل منتشر نشدن کتاب کودک را نبود حمایت های موثر مسئولان می داند و اضافه می کند: زمانی دو تصویرگر کتاب کودک به کمیته تولید محتوای آموزش و پرورش دعوت شدند اما به دلیل محدودیت هایی در تصویرگری کتاب کودک از طرف مسئولان و ناتوانی تصویرگران در جلب نظرکمیته و پایین بودن حق الزحمه تصویرگری با توجه به زمانبر بودن کار، آن ها از ادامه همکاری منصرف شدند.

«دکتر واعظی» عضو هیئت علمی دانشگاه بیرجند هم معتقد است تصویرگران کتاب کودک بخشی ازغنای ادبیات کودک و نوجوان را برعهده دارند اما نویسنده باید بگوید چه می خواهد تا بر اساس نظر او تصویرگری شود و ضعف در تصویرگری کتاب کودکان به دلیل توجیه نشدن تصویرگر توسط نویسنده است.

وی ادامه می دهد: باید تصویر جلد کتاب هم برای کودکان جذاب باشد، تصویر کتاب کودکان باید به القای معنا بپردازد و حتی انتشاراتی ها هم باید بدانند برای تصویرگری کتاب کودک یک تیم مشاوره ای نیاز است تا بتواند بهترین کتاب را از نظر ویژگی های ادبیات کودکان منتشر کند. گاهی نویسنده ها به تصویرگران کتاب کودک می گویند چه چیزی می خواهند اما نمی گویند چه مواردی در تصویرگری کتابشان نباید گنجانده شود.

■ نقد بی فایده

بیشترین انتقادها از حوزه ادبیات کودکان است که باید اینطور باشد اما این نقد بی فایده است چون زمانی نظرخواهی ها انجام می شود که کتاب چاپ شده و دیگر حتی از تیم های ادبیات کودکان که در دانشگاه ها حضور دارند کاری بر نمی آید یا کسی پذیرای نقد منتقدان نیست بنابراین نقد کتاب کودک باید پیش از انتشار باشد.

مشکل کار کجاست؟ در پاسخ به این پرسش، دکتر «واعظی» مشکل را ریشه ای عنوان می کند و معتقد است ریشه این مشکل را باید در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، صدا و سیمای استان و کشور، آموزش و پرورش و... جست و جو کرد چون همه این سازمان ها آن طور که باید به وظایف خود آشنا نیستند.

وی ادامه می دهد: «مصطفی رحماندوست» در سفر به بیرجند عنوان کرد اولین آثاری که توسط نویسنده های کودک آفریده شد ذوقی بود و امثال باغچه بان و افسانه شعبان نژاد و... اصول ادبیات فارسی را در آثارشان رعایت نکردند اما چون اولین افرادی بودند که برای کودکان شعر و قصه گفتند از آثارشان خوب استقبال شد و آموزش و پرورش هم به سرعت از آثار آن ها در کتاب های درسی استفاده کرد و افراد بعدی هم دنباله روی شاعران و نویسندگان قبلی شدند طوری که حتی برخی نمی دانستند استعداد و علاقه ای در ادبیات کودکانه داشته اند، آن ها بر اساس احساس وظیفه نسبت به کودک و نوجوان آثاری آفریدند که مورد توجه بچه ها قرار گرفت. استاد دانشکده ادبیات دانشگاه بیرجند با بیان این که والدین هم شناختی از ادبیات کودک و نوجوان ندارند، اضافه می کند: والدین آثاری انتخاب می کنند که کارشناسی شده نیست و فقط اسمش ادبیات کودک است. کاش با نام تربیت یا آموزش کودک مطرح شود چون وقتی عنوان ادبیات کودک به کار می رود همه فکر می کنند اثربه طور کامل در حوزه ادبیات کودک خلق شده در حالی که ممکن است فقط ۵ تا ۱۰ درصد آن با ادبیات یا زبان ادبیات فارسی به طور تخصصی منطبق باشد.

بنا بر توضیح وی، ۹۰ درصد آثار در حوزه ادبیات کودکان باید ارتباط تنگاتنگ با روانشناسی و علوم تربیتی داشته باشد در حالی که تحصیل کرده های ادبیات هم به سمت آثار ترجمه خارجی گرایش دارند بنابراین دانش آن ها بر اساس جامعه و فرهنگ غرب شکل می گیرد و متاسفانه صداو سیما هم همین مسیر را در پیش گرفته و فرهنگ غرب با پخش کارتون به بچه ها منتقل می شود و کودکان به مرز تناقض فرهنگ ایران و غرب می رسند در حالی که حل این تناقض مشکلات زیادی دارد.

مشکل بعدی در انتقال ادبیات کودک و نوجوان را مربوط به نسل بعد و پدربزرگ و مادربزرگ ها می داند و می گوید: آن ها هر طور که می خواهند داستان های قدیمی را بیان می کنند اما عنوان برخی مسائل برای کودک و نوجوان با توجه به سن آن ها درست نیست.

وی با تاکید بر تایید و گزینش قصه هایی که توسط مادر بزرگ ها در روستاها مطرح می شود، ادامه می دهد: باید از توان کانون پرورش فکری دراین مورد استفاده کرد البته جمع آوری فرهنگ عامه توسط برخی اساتید دانشگاه در حال انجام است اما به نیت ادبیات کودکانه نیست.

■ انتقال لطیف

آن طور که دکتر «واعظی» می گوید: انتقال مفاهیم دینی هم باید با لطافت باشد در حالی که با نادیده گرفتن روحیه لطیف کودکان در مهدها، مسائل دینی و حوادث تاریخ اسلام طوری بیان می شود که به روحیه آن ها آسیب می رساند و حتی گاهی اوقات دچار رعب و وحشت می شود، مهدهای کودک باید داستان هایی که از زبان افراد کهنسال برای بچه ها گفته می شود را تصحیح و با لطافت داستان های مذهبی را بیان کنند.

او معتقد است که ۸۰درصد مربیان مهد کارشناس و تحصیل کرده در رشته های مرتبط با ادبیات کودک و نوجوان نیستند، عده ای برای اشتغال وارد مهدها می شوند و با گذراندن دوره هایی جزئی در مهد فعالیت می کنند در حالی که حتی مدیران مهدها به عنوان رهبر مربی در نشان دادن راه، بسیاری از اصول علمی ادبیات کودک را فرا نگرفته اند غافل از این که ورود به عرصه ادبیات کودکان آسان نیست و دنیای کودکان بسیار حساس است.

■ نبود متخصص

«خزاعی» به صحبت های دکتر واعظی پاسخ می دهد: فیلم های آموزشی و کارتونی که در مهدهای کودک پخش می شود باید مورد تایید بهزیستی باشد، مهدهای کودک بخش بسیار حساسی است اما چون اداره آن ها به بخش خصوصی محول شده شاید آن طور که باید و شاید برای به کارگیری افراد متخصص در ادبیات کودک و نوجوان اقدام نشده است.

وی با قبول این موضوع که برای ایجاد اشتغال افراد در مهدها به کار گمارده می شوند، اضافه می کند: در بخشنامه ها عنوان می شود که حداقل مدرک تحصیلی برای فعالیت در مهدها، داشتن لیسانس علوم تربیتی است و چنانچه مربی ها مدرک تحصیلی مرتبط نداشته باشندباید دوره هایی را بگذرانند، گاهی اوقات هم افرادی وارد مهدها می شوند که علاقه و حوصله کار با کودکان را ندارند که در حین فعالیت با دقت به رفتار فرد این موضوع مشخص می شود. وی با اشاره به اینکه اساس شخصیت کودکان در مهدها شکل می گیرد، می افزاید: باید مهدهای کودک زیر نظر دولت فعالیت کنند تا ادبیات کودکان توسعه یابد و بهتر است دولت نیروی رسمی استخدام کندو آموزش های لازم را به آن ها بدهد.

دکتر «واعظی» هم با بیان این موضوع که باید از نیروهای متخصص و تحصیل کرده در مهدها استفاده شود، اضافه می کند: این موضوع بر عکس اجرا و از نیروهای متخصص در دانشگاه ها استفاده می شود نه مهدهای کودک، در حالی که کارایی این افراد درمهدها بیشتر است و باید از ابتدا در مهدها هزینه کرد.

او می گوید: گاهی اوقات افرادی نسبت به بالا بودن هزینه کتاب های کودک و نوجوان اعتراض می کنند در حالی که تهیه یک کتاب ۱۰ صفحه ای برای بچه ها هزینه بالاتری نسبت به کتاب های بزرگسالان دارد اما این کتاب از ارزش محتوایی برخوردار و در پرورش شخصیت کودکان موثر است.

وی تاکید می کند: اگر فقط یک دوره زمانی برای کتاب کودکان از نظر محتوا و تصویرگری هزینه کنیم یک نسل را با ادبیات کودکانه واقعی آشنا کرده ایم، در حال حاضرمی توان اشکال های ریز و درشتی به همه آثار موجود در بازار گرفت اما وجود و عرضه آن ها بهتر از نبود کتاب برای کودکا ن است، با این حال برای نقد ادبیات کودکان باید از ابتدا شروع کرد.

او می گوید: چند سال است که در جشنواره های شعر به عنوان داور حضور دارم اما حتی یک شعر که چارچوب ادبیات کودکان را رعایت کند ارائه نشده است و هر فردی در حوزه ادبیات کودکان و نوجوانان ساز خودش را می زند.

وی با بیان اینکه هرچند متولی مشخصی برای ادبیات کودکان در استان نیست، ادامه می دهد: با این حال افراد توانمندی وجود دارند که می توان آن ها را به سرعت دور هم جمع کرد، به تبادل نظر پرداخت و کارگاه های منسجمی با حضور اساتید علوم تربیتی، ادبیات و فرهنگ بومی برگزار و از توان و تخصص این افراد برای شروع کار استفاده کرد.

«صمدی» هم پیشنهاد می دهد: ابتدا باید به بیان تفاوت ادبیات کودکان و بزرگسالان پرداخت بعد ویژگی های ادبیات کودکان را مطرح کرد تامشخص شود که نگاه به ادبیات کودکان تربیتی یا آموزشی است؟

■ ادبیات سرگردان

این کارشناس ادبیات کودک و نوجوان در ادامه به این نکته اشاره می کند و می گوید: نبود متولی مشخص برای خیلی از فعالیت های ادبی مشکلی است که در کشور به چشم می خورد و خراسان جنوبی هم از این موضوع مستثنی نیست در حالی که تعداد زیادی متولی ادبیات فعالیت می کنند که هر کدام بدون توجه به فعالیت بقیه به کارشان ادامه می دهند. شاید خیلی از سازمان ها مانند ارشاد اسلامی اثری تولید نکنند اما از تولید کنندگان حمایت می کنند، علاقه مند بودن به ادبیات کافی نیست و باید مشکلات مالی از ادبیات کودکان را مرتفع و از تولید کنندگان حمایت و نویسنده ادبیات کودک تربیت کرد.

وی با بیان اینکه حضور منتقدان در استان باعث منزوی شدن و ترس از مطرح کردن آثار توسط نویسنده ها شده است، می گوید: باید به همه فعالان این عرصه اجازه داد تا بدون واهمه آثارشان را در اختیار منتقدان برای نقد سازنده قرار دهند.

او به فرهنگ سازی برای استفاده از شعر کودکانه اشاره و اضافه می کند: بیشتر شعرها در کتاب های درسی جنبه آموزشی دارد و ذوق ادبی بچه ها درست پرورش پیدا نمی کند و ارتباطش با آثار ناب ادبی قطع می شود.

■ علاقه کشی

وی ناامید شدن فعالان ادبیات کودک و نوجوان را هم دلیل دیگری برای ضعف دراین بخش می داند و تاکید می کند: حتی گاهی اوقات بی توجهی به آثار ادبی ارسال شده به سازمان ها باعث ناامیدی فعالان این عرصه می شود و وقتی اثری برای تایید ارسال می شود و مسئول بعد از چند ماه پاسخی نمی دهد نباید انتظار داشت با این علاقه کشی نویسنده هنوز فعال باشد.

وی بر حساس کردن سه گروه نسبت به ادبیات کودکان تاکید می کند: اول باید دانشگاه ادبیات صحیح را در مراکز آموزش بدهد، بعد باید در مهدهای کودک انگیزه برای مربی ها و ایجاد تخیل در ادبیات به وجود آورد و آموزش و پرورش هم غفلت نکند.

وی با تاکید بر ایجاد فضای نقد و بررسی آثار قبل از چاپ می افزاید: باید بستری برای خلق آثار جدید توسط علاقه مندان ایجاد شود که با این کار زمینه ای برای بحث و گفت وگو در مورد ادبیات ایجاد می شود وگرنه دور خودمان چرخیده و به نقطه اول باز گشته ایم، علاوه بر این دانشجویان رشته ادبیات هم باید توجه کنند که همیشه نباید یک کتاب را برای نقد و بررسی انتخاب و چند پایان نامه با موضوع یک کتاب تهیه کرد.

■ فعالان عرصه کودک چرا با هم هماهنگ نیستند؟

این پرسشی است که «صمدی» به آن پاسخ می دهد: انجمن نویسندگان کودک در کشور فعال است اما در استان نهادی با این نام نیست چون تعدادنویسندگان شناخته شده کم است، از طرفی خیلی کارها توسط نویسندگان به صورت سفارشی از سوی نهادهای مختلف تالیف می شود که این کار در حوزه ادبیات کودک نمی گنجد و یک فعالیت آموزشی است.

به گفته وی، ادبیات کودک باید با ذوق و سلیقه بچه ها مطابق باشد که نویسنده ها هم گاهی در ارتباط با کودکان در قالب ادبیات ناتوان هستند و با انگیزه قوی وارد عرصه نشده اند.

■ جای خالی نشر کودک

«نشریات کودک و نوجوان در استان وجود ندارد.» این موضوعی است که «صمدی به آن اشاره می کند و می گوید: با توجه به این کمبود در استان باید دید در مهدها چقدر از مجلات کودک و نوجوان استفاده می شود و به این موضوع که رسالت ادبیات عوض کردن نگاه کودکان و ایجاد نگرش نسبت به موضوعات مختلف در او است چقدر توجه می شود.

وی اضافه می کند: استعدادهای خوبی در ادبیات استان وجود دارند و تا متولی دلسوزی نباشد شناسایی و معرفی نمی شوند، علاوه بر این بهزیستی نباید متولی ادبیات کودک باشد بلکه به عنوان نهادی مصرف کننده است. رئیس مهدهای کودک هم در مورد پررنگ بودن جنبه آموزشی کتاب های ارائه شده در مهدها می گوید:درست است که محتوای کتاب ها از قبل تعیین شده و آموزشی است اما برای سنین مختلف مفاهیم پایه و بنیادی تعریف شده به همین دلیل در قالب نمایش خلاق، شعر و... با مشارکت بچه ها این مفاهیم آموزش داده می شود تا آن ها هم در ایجاد خلاقیت مشارکت کنند اما این موضوع در همه مهدها رعایت نمی شود. وی که با پیشنهاد دکتر «واعظی» و «عبدالرضا صمدی» موافق است، ادامه می دهد: باید کارگاهی با حضور روانشناس ها، اساتید علوم تربیتی و... برگزار کرد تا نقص و مشکلات ادبیات کودکان بررسی و برای مرتفع کردن آن اقدام شود.

به گفته وی، اگر چه کمیته کودک و نوجوان از طرف کانون پرورش فکری برگزار می شود اما این جلسات در زمان ها و مناسبت های خاصی تشکیل می شود که به دلیل موازی کاری سازمان ها کودک ضربه می خورد و هر سازمانی می خواهد بگوید درزمینه ادبیات کودک و نوجوان از دیگر سازمان ها بهتر فعالیت کرده است.

«خزاعی» با بیان اینکه کمیته کتاب های مهد کودک در استان تشکیل شد اما کتاب ها به صورت یکسان برای همه کشور تالیف می شود، می گوید: در دوره پیش دبستانی برای استان ها کتاب به صورت بومی و منطقه ای تالیف می شود و از سه سال قبل دفتر تالیف تهران برای پیش دبستانی یک و دو، کتاب های نویسنده های بومی را تایید کرده است، هر چند در این مورد از کارشناسان آموزش و پرورش استفاده شد که بر دستورالعمل استفاده ازظرفیت های بهزیستی و مهدهای کودک هم تاکید شده اما با توجه به تعاریف ادبیات کودک این کتاب ها هنوز به معنای واقعی فاصله زیادی با ادبیات و نگاه آموزشی دارد.

دکتر «واعظی» در این قسمت از میزگرد می گوید: باید دقت شود ادبیات کودکانه هر منطقه متناسب با اقلیم آن رشد کند، یعنی برای بچه های خراسان جنوبی باید از کویر و آسمان پرستاره کتاب ادبی نوشت نه دریا و جنگل چون این کار باعث ایجاد عقده در کودکان می شود. «خزاعی» در پاسخ به وی، به پیشنهاد معرفی محصولات و جاذبه های کویر و بازی های بومی محلی استان به بهزیستی کشور اشاره و اضافه می کند: منتظر تایید طرح هستیم.

«واعظی» می گوید: شاید به نظر مسئولان فرهنگی پایتخت باید همه مردم در نقاط مختلف کشور لهجه یا فرهنگی یکسانی داشته باشند همان طور که زبان تهران را به کل کشور تحمیل کرده انداما باید در ادبیات کودکان موضوعات بومی و محلی را هم در نظر داشت.

او تاکید می کند: حتی گاهی اوقات ساده کردن منطق الطیر، شاهنامه و... به نام ادبیات کودکان مطرح می شود که درست نیست، کانون پرورش فکری باید نقش نظارتی برای تولید همه موارد حوزه ادبیات کودکان داشته باشد. وی معتقد است در این مورد حتی باید از خیران کمک گرفت، آن ها مدرسه می سازند اما به فکر این نیستند که در مدارس باید بچه ها چه چیزی آموزش ببینند در حالی که در آموزش و پرورش از تخصص ها خبری نیست بنابراین باید برای رشد ادبیات هزینه کرد، اگر نگران ادبیات کودکان استان هستیم باید از الان شروع کنیم و از پایه ادبیات را از نو بسازیم.

نشر نو

زندگی در سایه آرامش به سبک احادیث

با توجه به این که فناوری به تنهایی برای تامین آرامش کافی نیست، انسان همچنان به دنبال گمشده خود این طرف و آن طرف برای سبک زندگی می گردد تا این مهم را فراهم آورد و گاهی با بینش کاذب در مورد نحوه حصول آرامش و به دنبال آن، عمل کاذب و در نتیجه ثمره کاذب، آرامش حقیقی را در آغوش نخواهد کشید. پیروی از سبک زندگی اسلامی، ردکردن زندگی مدرن نیست بلکه اعتقاد به قرار دادن آمیزه ای از دستورات الهی همراه هر قالبی از زندگی با هر سطح و طبقه ای مورد نظر است تا در تمام جنبه ها چه فردی یا اجتماعی، رنگ و بوی خالق پیدا کند و حرکت به سمت آرامش حقیقی سازماندهی شود.

آنچه خواندید بخشی از مقدمه کتاب «زندگی در سایه آرامش به سبک احادیث» است که «زهرا نصرالهی» استادیار دانشگاه علوم پزشکی بیرجند و طلبه حوزه علمیه جامعه الزهرای قم آن را به نگارش درآورده است.

ناشر این کتاب نشر چهاردرخت بیرجند است که نویسنده مجموعه ای از احادیث را در آن گردآورده است.

میراث ماندگار

امامزاده زید النار آفریز

زید بن موسی فرزند امام موسی کاظم(ع) است. مقبره وی ملقب به امامزاده «زیدالنار» در روستای آفریز و ۶۵ کیلومتری جنوب غربی قاین واقع شده است. مصالح به کار رفته در بنا قدمت آن را به عهد صفوی مربوط می کند. ورودی اصلی این مقبره از ضلع شمالی است که مقرنس کاری بسیار زیبایی دارد. مقبره امامزاده زیدالنار گنبدی باشکوه و مرتفع دارد که دارای تزئینات کاشی کاری لعابی به رنگ فیروزه‌ای و نقش‌های گل و بته به رنگ سفید است. در داخل گنبدخانه، سنگی خاکستری قرار دارد که مردم نسبت به آن باورهای ویژه‌ای دارند. این امامزاده به شماره ۱۸۹۴ در فهرست آثار ملی کشور ثبت شده است.